فهرست مطالب

[تکمیل ادله وجوب قنوت 1](#_Toc184679130)

[صجیحه زراره و محمد بن مسلم 1](#_Toc184679131)

[ادله عدم وجوب قنوت 2](#_Toc184679132)

[دلیل اول: صحیحه بزنظی 2](#_Toc184679133)

[بررسی وحدت روایات 3](#_Toc184679134)

[دلیل دوم: روایت وهب بن عبد ربه 5](#_Toc184679135)

[دلیل سوم: روایت ابن ابی عمیر 5](#_Toc184679136)

[اشکال سندی 6](#_Toc184679137)

[اشکال دلالی 6](#_Toc184679138)

[دلیل چهارم: سوال بزرگان اصحاب در مورد قنوت 7](#_Toc184679139)

[اشکال 7](#_Toc184679140)



و هو مستحب في جميع الفرائض اليومية و نوافلها بل جميع النوافل حتى صلاة الشفع على الأقوى و يتأكد في الجهرية من الفرائض خصوصا في الصبح و الوتر و الجمعة بل الأحوط عدم تركه في الجهرية بل في مطلق الفرائض و القول بوجوبه في الفرائض أو في خصوص الجهرية منها ضعيف.[[1]](#footnote-2)

# تکمیل ادله وجوب قنوت

## صجیحه زراره و محمد بن مسلم

در جلسات گذشته روایاتی مطرح شد که مفادشان وجوب قنوت بود. روایات دیگری نیز هست که در جلسات گذشته مطرح نشد مانند صحیحه محمد بن مسلم و زراره که در مورد نسیان قنوت وارد شده: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالا سَأَلْنَا أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى الْقُنُوتَ حَتَّى يَرْكَعَ قَالَ يَقْنُتُ بَعْدَ الرُّكُوعِ فَإِنْ لَمْ يَذْكُرْ فَلَا شَيْ‏ءَ عَلَيْهِ»[[2]](#footnote-3). یعنی اگر قنوت را فراموش کرده و بعد از رکوع ملتفت شوید بعد از رکوع، قنوت را بجا بیاورید ولی اگر ملتفت نشوید چیزی بر شما نیست. گفته می‌شود ظاهر این صحیحه نیز وجوب است.

اما بر خلاف این روایت هم در صحیحۀ معاویه بن عمار نقل شده: « وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى الْقُنُوتَ حَتَّى يَرْكَعَ أَ يَقْنُتُ قَالَ لَا»[[3]](#footnote-4). ظاهر «لا» یعنی واجب نیست. اگر این روایت نفی مشروعیت کند با صحیحۀ زراره و محمد بن مسلم تعارض می‌‌کند. ‌اگر نفی وجوب کند قرینه بر این است ‌که واجب نیست. در هر صورت دیگر نمی‌توان به صحیحۀ زراره و محمد بن مسلم بر وجوب قنوت استناد کرد.

# ادله عدم وجوب قنوت

## دلیل اول: صحیحه بزنظی

در صحیحه بزنطی از امام رضا علیه السلان نقل شده که در آن آمده است: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع فِي الْقُنُوتِ إِنْ شِئْتَ فَاقْنُتْ وَ إِنْ شِئْتَ فَلَا تَقْنُتْ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع وَ إِذَا كَانَ التَّقِيَّةُ فَلَا تَقْنُتْ وَ أَنَا أَتَقَلَّدُ هَذَا.[[4]](#footnote-5)

اشکال شد که این روایت به این شکل نیز نقل شده که: «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْهُ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ ع فِي الْقُنُوتِ فِي الْفَجْرِ إِنْ شِئْتَ فَاقْنُتْ وَ إِنْ شِئْتَ فَلَا تَقْنُتْ وَ قَالَ هُوَ إِذَا كَانَ تَقِيَّةً فَلَا تَقْنُتْ وَ أَنَا أَتَقَلَّدُ هَذَا»[[5]](#footnote-6). متن این دو روایت تقریبا یکی است و بر خلاف آنچه که آقای خوئی فرمودند که این‌ها دو روایت هستند، به نظر می‌‌آید قوی این است که این دو یک روایت هستند. در این صورت ممکن است همان «قنوت فی الفجر» مورد بحث باشد و روایت دلیل بر این است که قنوت در فجر لازم نیست اما قنوت در نماز‌های دیگر ممکن است واجب باشد. مگر این‌که اشکال شود که هیچ‌کس این تفصیل را نداده و ‌آقای خوانساری هم که فرمودند: «احوط وجوبا قنوت در همۀ نمازهای فریضه است الا در نماز فجر»[[6]](#footnote-7) جزء متأخرین هستند و بین متقدمین تفصیل بین نماز صبح و نماز‌های دیگر مطرح نیست.

آقای خویی نیز فرمودند: از مجموع روایات استفاده می‌شود که چون در مورد نماز فجر بر قنوت تاکید شده است اگر در نماز فجر قنوت واجب نباشد در نمازهای دیگر به طریق اولی واجب نیست[[7]](#footnote-8).

### بررسی وحدت روایات

این‌که به احتمال قوی این دو روایت یک روایت هستند نیاز به توضیح دارد. در روایت اول بزنطی از امام رضا علیه السلام روایت را نقل می‌‌کند و این روشن است. در سند روایت دوم باید دید که «عنه» در تعبیر «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْهُ» به چه کسی برمی گردد. مشهور استظهار کرده اند که به معاویه بن عمار برمی‌گردد. اگر به معاویه بن عمار برگردد باید دید که آیا معاویه بن عمار می‌‌گوید «قال لی ابوجعفر»؟ آقای خوئی می‌‌فرمایند که معاویه بن عمار از امام باقر ع هم نقل روایت کرده است اما با مراجعه معلوم می‌‌شود که ثابت نیست که معاویه بن عمار از امام باقر ع نقل روایت کرده باشد. البته ایشان قطعا امام باقر ع را دیده‌اند؛ زیرا نقل شده: « مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ‏ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَخْتَضِبُ بِالْحِنَّاءِ خِضَاباً قَانِياً»[[8]](#footnote-9) . ممکن است که در سن چهار یا پنج سالگی امام ع را دیده باشند اما ثابت نمی‌کند که از امام ع روایت کرده باشد.

در چند مورد نقل شده که معاویه بن عمار از امام باقر ع نقل حدیث کند. مورد اول در تهذیب و استبصار نقل شده است: «وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ غَيْرِهِ مِمَّنْ رَوَى صَفْوَانُ عَنْهُ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ الْمُتَقَدِّمَةَ وَ قَالَ هَذِهِ هِيَ عِنْدَنَا مُسْتَفِيضَةٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع»[[9]](#footnote-10) ‌معاویه بن عمار در اینجا نمی‌گوید که من خودم شنیدم، بلکه می‌گوید این روایت از امام باقر و امام صادق علیهما السلام مستفیض است، شهادت می‌دهد که مستفیض است نه این‌که خودش از امام ع شنیده است.

روایت دیگر در من لا یحضره الفقیه نقل شده: «وَ سَأَلَهُ مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ عَنِ الرَّجُلِ يَقُومُ فِي الصَّلَاةِ»[[10]](#footnote-11). ظاهر «سأله» این است که ضمیر به امام باقر علیه السلام برمی‌گردد زیرا در حدیث قبل نقل شده: «وَ رَوَى زُرَارَةُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ». اما قطعا این مطلب اشتباه است. زیرا شیخ طوسی در تهذیب و استبصار همین حدیث ر ا با سند دیگری نقل می‌کند و در سند آن فرموده: «عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ»[[11]](#footnote-12). لااقل این است که این دو نقل با هم تعارض می‌‌کنند. ولی به نظر ما نقل شیخ طوسی و شیخ صدوق با هم تعارض نمی‌کنند بلکه قرینه می‌‌شود که در نقل شیخ طوسی ضمیر «سأله» به حدیث قبلی برنمی‌گردد؛ بلکه به حدیث ما قبل اخیر برمی‌گردد که در آن از امام صادق ع روایت نقل شده است. در نتیجه ضمیر «سأله» به امام صادق ع بر می‌گردد. پس در اینجا نیز معاویه بن عمار از امام باقر ع نقل روایت نکرده است. در روایت دیگری در تهذیب نقل شده: «وَ رَوَى مُوسَى بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَمَرَ الْحَلَّاقَ أَنْ يَضَعَ الْمُوسَى عَلَى قَرْنِهِ الْأَيْمَنِ»[[12]](#footnote-13). البته معلوم نیست که این معاویة بن عمار باشد بلکه ممکن است که معاویه بن وهب باشد.

مورد دیگر در امالی شیخ صدوق است که در یک روایت نقل شده که معاویه بن عمار از امام باقر ع نقل روایت می‌کند[[13]](#footnote-14).

ما به این نسخ از باب وثوق اعتماد می‌کنیم با توجه به سقط های زیادی که در نسخ وجود دارد وقتی 99 درصد روایات معاویه بن عمار با واسطه از امام باقر علیه السلام است اگر یک یا دو روایت معاویه بن عمار از امام باقر ع نقل روایت شده باشد وثوق پیدا نمی‌‌شود که در اینجا واسطه بین معاویه بن عمار با امام باقر علیه السلام سقط نشده است.

مطلب دیگر این که وقتی در روایت اول، بزنطی از امام رضا ع نقل روایت فرموده که امام باقر ع فرمود، دیگر در روایت دوم «عنه» ظهور پیدا نمی‌کند در اینکه ضمیر به معاویه بن عمار که در سند قبلی آمده، بر می‌گردد. اگر گفته شود که امام رضا ع نمی‌شود بفرمایند «قال لی ابوجعفر»، پاسخ می‌دهیم که «لی» در همۀ نسخ بیان نشده است. در نسخۀ والد ابن‌مشهدی در استبصار «لی» ندارد. و لذا بعید نیست وثوق پیدا کنیم که «لی» زاید است و «عنه» هم «عن ابی الحسن الرضا علیه السلام» است زیرا در قبل از آن نقل شده «بزنطی عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال قال ابوجعفر»[[14]](#footnote-15)، و بعد از چند صفحه می‌فرماید: «ابن‌ ابی نصر عنه»، البته ظاهر اولی ضمیر این است که به معاویه بن عمار در سند قبل بر می‌گردد اما خلاف نقل دیگر روایت است. این متعارف نیست که وقتی بزنطی حدیثی را از امام رضا ع شنیده که از امام باقر ع است و آن را به معاویه بن عمار نسبت دهد. لذا ما احتمال می‌‌دهیم که این دو روایت یک روایت باشد و حجتی بر خلاف آن نداریم.

موضوع روایت دوم قنوت فی الفجر است نه مطلق قنوت پس باید بگوییم که وقتی که شارع در قنوت فی الفجر فرموده که می‌توانی قنوت را ترک کنی و از طرف دیگر کسی هم بین قنوت فی الفجر با سایر نمازها تفصیل نداده است و قنوت فی الفجر هم که به حسب روایات افضل است پس ترخیص در ترک قنوت در نماز فجر ملازمه با ترخیص در قنوت در سایر نمازها دارد این امر بعیدی نیست.

در زمان امام رضا ع فقه ابوحنیفه سائد بر کشورهای اسلامی بود. شاگردان ابوحنیفه در دستگاه حکومت بنی العباس رفتند و ابن‌ ابی لیلا، شیبانی وارد دستگاه حکومت شدند و فقه ابوحنیفه را به شکل گسترده مطرح کردند. بنابراین نسبت به امام رضا ع تقیه به‌خاطر فقه ابوحنیفه کاملا منطقی است. امام رضا ع آن زمانی که در مدینه بودند قدرتی نداشتند و وقتی قدرت پیدا کردند به مشهد رفتند و بعد آن زمان هم که در مشهد بودند تقیه می‌‌کردند و اتفاقا آن موقع باید بیشتر تقیه کند برای این‌که بیشتر مطرح بودند و بیشتر مورد حسادت و رشک و رقابت بودند.

## دلیل دوم: روایت وهب بن عبد ربه

وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ تَرَكَ الْقُنُوتَ رَغْبَةً عَنْهُ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.[[15]](#footnote-16)

در مورد این روایت نیز بیان شد که «رغبة عنه» ظهور در این ندارد که قنوت حتما مستحب است و ممکن است که واجب باشد اما واجبی که به اعذار عرفی یا اعذار شرعی مثل تقیه ترک می‌‌شود. «رغبه عنه» یعنی بدون عذر ترک کند مانند این تعبیر است: «ترک الجهاد رغبة عنه البسه الله لباس الذل»[[16]](#footnote-17).

## دلیل سوم: روایت ابن ابی عمیر

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْقُنُوتِ قَبْلَ الرُّكُوعِ أَوْ بَعْدَهُ قَالَ لَا قَبْلَهُ وَ لَا بَعْدَهُ[[17]](#footnote-18).

### اشکال سندی

عبدالملک بن عمرو توثیق ندارد و این‌که از مشایخ مع الواسطه ابن‌ ابی عمیر است، دلیل بر وثاقتش نیست. ما طبق شهادت شیخ طوسی، مشایخ بلاواسطه ابن‌ ابی عمیر را ثقه می‌‌دانیم زیرا شیخ طوسی در عده فرموده: «عرفوا بانهم لا یروون و لا یرسلون الا عن ثقة»[[18]](#footnote-19). در مورد مشایخ مع الواسطه ابن‌ ابی عمیر، صفوان و بزنطی، ‌اختلاف است. محدث نوری فرموده: اطلاق «لا یروون الا عن ثقة» شامل با واسطه و بدون واسطه می‌شود. ولی همان‌طور که آقای زنجانی فرموده اند کلام شیخ طوسی اطلاق ندارد. شیخ طوسی فرموده ابن‌ ابی عمیر شناخته شده که او از غیر ثقه روایت نمی‌کند اما نفرمود که از ثقه ای که آن ثقه از شخص غیر ثقه روایت کرده باشد، روایت نمی‌کند. «لا یروون الا عن ثقة» بیش از این ظهور ندارد که از غیر ثقه بلا واسطه نقل نمی‌کنند. و لذا سند این روایت ضعیف است.

### اشکال دلالی

در این روایت راوی از امام صادق علیه السلام راجع به قنوت سوال می‌کند که قبل از رکوع است یا بعد از رکوع؟ حضرت می‌فرمایند: نه قبل ازرکوع است نه بعد از رکوع.

اگر گفته شود که این روایت نفی وجوب کرده و می‌گوید: قنوت، نه قبل از رکوع واجب است نه بعد از رکوع. خوب است اما همان‌طور که شیخ طوسی هم در تهذیب فرموده[[19]](#footnote-20)، محتمل است که این روایت تقیتا صادر شده و نفی مشروعیت از قنوت بکند زیرا نگفت «عن وجوب القنوت» بلکه گفت «عن القنوت قبل الرکوع او بعده» و حضرت ع فرمود: قنوت نیست که ظاهرش این است که نه قبل از رکوع نه بعد از رکوع مشروع نیست و این‌ حرف ابوحنیفه یا حرف فقهای دیگر عامه، در غیر نماز فجر است و لذا روایت حمل بر تقیه می‌‌شود و مناسب استدلال نیست.

در روایت بعد نیز نقل شده: «وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قُنُوتُ الْجُمُعَةِ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى قَبْلَ الرُّكُوعِ وَ فِي الثَّانِيَةِ بَعْدَ الرُّكُوعِ فَقَالَ لِي لَا قَبْلُ وَ لَا بَعْدُ»[[20]](#footnote-21) یعنی قنوت نماز جمعه در رکعت اولی قبل از رکوع است در رکعت ثانیه بعد از رکوع است؟ امام ع فرمود: قنوت نه قبل از رکوع است نه بعد از رکوع که ظهور در مشروع نبودن دارد و حمل بر تقیه می‌شود.

از این سه روایتی که بیان شد، بعید نیست ما روایت اول (صحیحه بزنطی) را با ضمیمه الغای خصوصیت از عدم وجوب قنوت در نماز صبح به نماز‌های دیگر بپذیریم.

البته ما در مورد روایاتی که در خصوص نماز صبح امر به قنوت کرد اشکال کردیم که شاید تقیه ای باشد، مانند «لا تقنت الا فی الفجر»[[21]](#footnote-22) یا «القنوت فی الصلوات الجهریة کلها الغداة و المغرب و العشاء و الوتر و الجمعة»[[22]](#footnote-23) زیرا قنوت در همۀ نمازها مشروع است و اگر از آن‌ها اهمیت نماز صبح را نفهمیم ولی عدم الفصل داریم که هیچ فقیهی الی یومنا هذا این تفصیل را نداده که در نماز صبح، قنوت واجب نیست و در بقیۀ نمازهای فریضه واجب است. آقای خوانساری هم احتیاط کردند و ایشان زیاد احتیاط می‌کردند. حتی در اول رساله‌ هم نوشته‌اند که احتیاط‌های واجبی که ناشی از تخطئۀ دلیل غیر است بنا بر احتیاط واجب رجوع به غیر نشود.

## دلیل چهارم: سوال بزرگان اصحاب در مورد قنوت

دلیل چهارم یک دلیل غیر روایی است. آقای خویی فرمودند: این که بزرگان اصحاب ائمه مثل زراره و محمد بن مسلم و صفوان، مکررا می‌‌آمدند و از امام راجع به قنوت سؤال ، نشان می‌‌دهد که وجوب قنوت برایشان واضح نبوده است با اینکه قنوت در شبانه‌روز در نمازهای واجب پنج بار و در نمازهای مستحب محل ابتلا بوده است اما ایشان وجوب‌ قنوت را نمی‌دانستند و لذا سؤال می‌‌کردند. اگر قنوت واجب بود که این ها می‌دانستند و اگر بناست چیزی واجب باشد از بزرگان اصحاب ائمه مخفی نمی‌ماند که از امام باقر ع و امام صادق ع و امام رضا ع سؤال کنند[[23]](#footnote-24).

### اشکال

به نظر ما این مطلب قابل جواب است. احکامی که در آن تقیه وجود دارد و خود ائمه ع مختلف صحبت کرده اند، منشأ تردید برای اصحاب ائمه می‌‌شود و بر آنها مخفی می‌ماند. بله اگر امام واضح صحبت می‌‌کردند مخفی نمی‌ماند اما ائمه ع در بحث قنوت مضطرب صحبت کرده و تقیه می‌‌کردند در نتیجه اصحاب ائمه شک می‌‌کردند که کدام حکم مطابق با واقع است و کدام حدیث از روی تقیه صادر شده است. اینجا نمی‌توان گفت که با این‌که محل ابتلای شدید هست اگر واجب بود بر اصحاب ائمه ع مخفی نمی‌ماند. ممکن بود قنوت هم در نماز انجام می‌دادند اما تردید داشتند مستحب است یا واجب است.

 اینکه گفته شود اصحاب توجه به قاعده «لو کان لبان و حیث لم یبن فلیس بواجب» داشته اند، صحیح نیست زیرا لازم نیست همه متوجه این قاعده باشند. مواردی ائمه مختلف و از روی تقیه صحبت می‌‌کردند بر اصحاب مطلب مخفی می‌‌ماند. مثل حج تمتع که سه دسته روایت وجود دارد بعضی از روایات می‌‌گوید: در لفظ نیت حج تمتع کند در برخی روایات می‌گوید: حج افراد نیت کند و در مکه بعد از طواف و سعی عدول به عمرۀ تمتع کن، و در برخی روایات می‌گوید: در نیت، نیت حج تمتع کن ولی در لفظ بگو حج افراد بجا می‌‌آورم «لَبِّ بِالْحَجِّ وَ انْوِ الْمُتْعَةَ»[[24]](#footnote-25) چون می‌خواهد تقیه کند. یعنی در اینجا سه دسته روایات داریم. و لذا امام ع در آن پیامی که توسط عبدالله فرزند زراره برای او فرستاد فرمود: برو به پدرت سلام برسان بگو اگر من علیه تو گاهی صحبت می‌‌کنم می‌‌خواهم تو حفظ بشوی. دشمنان ما هر کس پیش ما محبوب است می‌‌خواهند به او آسیب برسانند «إِنَّمَا أَعِيبُكَ دِفَاعاً مِنِّي عَنْكَ» ‌مثل سفینۀ حضرت خضر و حضرت موسی که حضرت خضر کشتی را سوراخ کرد برای این‌که مال صاحبان کشتی را حفظ کند، « أَمَّا السَّفينَةُ فَكانَتْ لِمَساكينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعيبَها»[[25]](#footnote-26). در ‌آنجا حضرت می‌فرمایند: راجع به حج من به ابوبصیر یک چیز گفتم و به تو یک چیز دیگر می‌‌گویم و آنچه که گفتم همه‌اش درست است و لو ظاهرش با هم اختلاف دارد[[26]](#footnote-27).

آقای سیستانی راجع به تخییر در اماکن اربعه یک بیانی دارند که مناسب است بیان شود. مشهور بین قدمای اصحاب وجوب قصر بوده است و نقل شده «وَ كَانَ صَفْوَانُ يُقَصِّرُ وَ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ وَ جَمِيعُ أَصْحَابِنَا يُقَصِّرُونَ».[[27]](#footnote-28) و لذا آقای زنجانی نظرشان این است که اصلا تخییر بین اماکن اربعه درست نیست و باید نماز قصر خوانده شود. آقای سیستانی فرمودند این شهرت مهم نیست چون مقام، مقام تقیه بوده است. ‌مقامی بوده که ائمه ع سعی در اخفای حکم الله داشتند و لذا به خواص اصحاب گاهی می‌‌گفتند من سر الله المکنون این است که در اماکن اربعه تمام خواندن نماز افضل است. در چنین مواردی شهرت بر خلاف هم بشود مهم نیست زیرا این شهرت کاشف از این نیست که حکم الله همان‌طوری است که این مشهور فهیمدند.

 این مطلب صحیح است. زیرا قول به تخییر خلاف تقیه است. عامه می‌‌گویند از کجا می‌گویید که خداوند راجع به قبر امام حسین ع حکم دارد، یا ‌مگر خدا راجع به شهر کوفه[[28]](#footnote-29) حکم دارد؟‌ عامه انکار می‌کردند زیرا خدا راجع به این‌ها در قرآن‌ که حکم نیاورده، و ‌سنت پیامبر هم نیست. و لذا من سر الله المکنون بوده و بر یک سری اصحاب و فقها مخفی مانده است.

در اینجا نیز عامه می‌‌گفتند که پیغمبر ص قنوت نمی‌گرفت و چرا شما قنوت می‌‌گیرید؟ بعضی‌ از عامه می‌‌گفتند پیغمبر ص فقط در نماز صبح قنوت می‌‌گرفت و لذا ائمه ع تقیه می‌‌کردند و اختلاف در کلماتشان پیش می‌‌آمد اصحاب آمدند سؤال کردند بنابراین در اینجا نمی‌توان گفت که خفای امر بر اصحاب کشف می‌‌کند قنوت واجب نبوده است و قاعده «لو کان لبان» را تطبیق کرد.

1. العروة الوثقی 1: 698 [↑](#footnote-ref-2)
2. [وسائل الشیعه 6: 287](https://lib.eshia.ir/11025/6/287) [↑](#footnote-ref-3)
3. [وسائل ال شیعه 6: 288](https://lib.eshia.ir/11025/6/288) [↑](#footnote-ref-4)
4. [وسائل الشیعه 6: 269](https://lib.eshia.ir/11025/6/269) [↑](#footnote-ref-5)
5. تهذیب الاحکام 2: 161 [↑](#footnote-ref-6)
6. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 430. [↑](#footnote-ref-7)
7. موسوعة الإمام الخوئي ‌15: 365‌. [↑](#footnote-ref-8)
8. الكافي (ط - الإسلامية) ‏6: 481. همچنین نقل شده در صفحه 483 نقل شده: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع مَخْضُوباً بِالْحِنَّاءِ. [↑](#footnote-ref-9)
9. [وسائل الشیعة 12: 344](https://lib.eshia.ir/11025/12/344)؛ استبصار 2: 188؛ تهذیب الاحکام 5: 83 [↑](#footnote-ref-10)
10. من لا يحضره الفقيه ‏1: 276. [↑](#footnote-ref-11)
11. تهذیب الاحکام 2: 48؛ استبصار 1: 297 [↑](#footnote-ref-12)
12. تهذيب الأحكام ‏5: 244. [↑](#footnote-ref-13)
13. الأمالي( للصدوق) 145؛ حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ قَالَ حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ [↑](#footnote-ref-14)
14. تهذیب الاحکام 2: 91. [↑](#footnote-ref-15)
15. [وسائل الشيعة 6: 263](https://lib.eshia.ir/11025/6/263) [↑](#footnote-ref-16)
16. نهج البلاغة 34؛ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَ جُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الذُّلِّ‌» [↑](#footnote-ref-17)
17. [وسائل الشيعة ‏6: 269](https://lib.eshia.ir/11025/6/269) [↑](#footnote-ref-18)
18. العدة فی اصول الفقه 1: 154. [↑](#footnote-ref-19)
19. تهذيب الأحكام ‏2: 91. [↑](#footnote-ref-20)
20. [وسائل الشيعة ‏6: 272.](https://lib.eshia.ir/11025/6/272) [↑](#footnote-ref-21)
21. [وسائل الشیعة 6: 266](https://lib.eshia.ir/11025/6/266) [↑](#footnote-ref-22)
22. [وسائل الشيعة 6: 265](https://lib.eshia.ir/11025/6/265)؛ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْقُنُوتُ فِي الْجُمُعَةِ (وَ الْعِشَاءِ) «2» وَ الْعَتَمَةِ وَ الْوَتْرِ وَ الْغَدَاةِ فَمَنْ تَرَكَ الْقُنُوتَ رَغْبَةً عَنْهُ فَلَا صَلَاةَ لَهُ. [↑](#footnote-ref-23)
23. موسوعة الإمام الخوئي، ج‌15، ص: 367‌؛ الرابعة: كثرة الأسئلة عن القنوت الصادرة من أكابر الرواة و أعاظم أصحاب الأئمّة كزرارة و محمّد بن مسلم و صفوان و أضرابهم من الأعيان و الأجلّاء، فان نفس هذه الأسئلة المتكاثرة خير دليل بل أقوى شاهد على عدم الوجوب، بداهة أنّه لو كان واجباً لكان أمراً جليّا و واضحاً بعد شدّة الابتلاء به و أقله في كل يوم خمس مرّات، فكيف يحتمل خفاء مثله عن مثلهم. و هل هذا إلّا كالسؤال عن وجوب الركوع أو السجود. [↑](#footnote-ref-24)
24. [وسائل الشیعة 12: 352](https://lib.eshia.ir/11025/12/352) [↑](#footnote-ref-25)
25. الکهف: 79. [↑](#footnote-ref-26)
26. [وسائل الشيعة 11: 258](https://lib.eshia.ir/11025/11/258) [↑](#footnote-ref-27)
27. كامل الزيارات 248. [↑](#footnote-ref-28)
28. آقای سیستانی می‌‌گویند در شهر کوفه مخیر هستید بر خلاف ‌دیگران که می‌‌گویند در مسجد کوفه مخیر هستید ولذا طبق نظر آقای سیستانی در مسجد سهله هم مخیر بین قصر و تمام هستید [↑](#footnote-ref-29)